

یار علی پورمقدم درگذشت

همین طور یکدفعه‌ای



شاپور بهمان

یارعلی پورمقدم، استاد تئاتر، نمایش‌نامه‌نویسی و دیالوگ‌نویسی در داستان بود. هر مرگی باورناپذیر است اما مرگ او علاوه بر این، بهمت آور هم بود؛ راستش شوکه شدیم؛ غافلگیری تا این حد؟ آخر یک اشاره‌ای، یک زمینه‌چینی‌ای، یک خبری که بگویی حالم بده؛ مریضم؛ وقتشه؛ its time. ما

در مرگ یک داستان نویس قهوه‌چی

شرق؛ یارعلی پورمقدم، صاحب کافه شوکا در تهران، داستان‌نویسی که خود را «قهوه‌چی» می‌خواند، در ۷۱سالگی در خواب به خوابی ابدی رفت. «یارعلی» به‌ناگاه و در میان بهت دوستان و پاتوق‌نشینان «شوکا» بامداد آدینه دوازدهم اسفند، بر اثر سکنه در خواب درگذشت. کافه او سال‌ها خاصه در ده‌های هفتاد و هشتاد، پاتوق اهل قلم و داستان‌نویسان، شاعران و روزنامه‌نگارانی بود که آنجا را «تحریریه دیگر» می‌دانستند. همیشه بساط بحث و جدل برپا بود و یارعلی پورمقدم خود یک پای تمام بحث‌ها بود. او داستان‌هایی هم به قول خودش «سی دل خوردن» می‌نوشت و ناشرش هم خودش بود و پخش کتاب‌ها هم در همان کافه شوکا بود. تفاوت شوکا یکی هم این بود که اهل ادب و چهره‌های سرشناسی در آن میز داشتند و معروف است که بیژن جلالی مدام آنجا می‌نشست و بعد از رفتنش، یارعلی پلاکی روی میز او به یادش نصب کرد.

یارعلی پورمقدم، سال ۱۳۳۰ در مسجدسلیمان به دنیا آمد و

فکر می‌کردیم (اگر اصلا فکر می‌کردیم) هرطور باشد، فعلا عجالتا یارعلی در صف نیست؛ لاقلا اول صف نیست؛ داشت خوش‌خوشک کارهای قبلی‌اش را در اینستا، فیس‌بوک و صفحه شخصی‌اش در تلگرام می‌گذاشت؛ نه شکایتی از پیری، نه نالیدنی از دردی در جسم؛ نه اعلان خبری از نارسای عضوی، کم‌کاری جزئی. ما که درگیر و غرق روزمرگی طاقت‌فرسایمان بودیم. می‌گفتم آها یارعلی؟ نه نه او هست، هست و این بار

که تهران رفقیم، دوباره می‌رویم سراغش؛ دوباره کارهایش را می‌خوانیم؛ و چه و چه؛ از همین وعده‌های هرگز محقق‌نشدنی همیشه‌ی در مورد خیلی‌های دیگر اما یارعلی صبر نکرد. فرصت نداد. آخر چرا؟ این چه کاری بود؟

اصلا یارعلی رودست زد. «ناچکالی» کرد. بازی را به هم

دوران ابتدایی را در این شهر گذراند. بعد از آن به تهران آمد و پس از دوره دبیرستان، به دانشگاه مازندران رفت و اقتصاد خواند. او نوشتن را در دهه پنجاه با نمایش‌نامه «آه اسفندیار مغموم» آغاز کرد و داستان‌های دیگری هم نوشت ازجمله «یادداشت‌های یک قهوه‌چی»، «آینه، مینا، آینه»، «ای داغم سسی روین‌تن»، «کنه‌کنه‌های زرد»، «حوالی کافه شوکا»، «یادداشت‌های یک اسب»، «رساله هگل»، «تیغ و زنگار»، «مجهول‌الهیوه»، «پاگرد سوم»، «ده سوخته» و «یادداشت‌های یک لابلالی». کارمان بزرگ‌نیا در «شعر تمام کافه شوکا» به یاد بیژن جلالی، حال و احوال شوکا و صاحبش را به خوبی روایت کرده بود: «گاهی که روز باران باشد/ و باد هم برای خودش، خوش‌خوش یوزد/ و پشت پنجره، آن پایین، بر بام روبه‌رو/ کنار آجپاله‌ای، نشسته باشد کلاغی/ اگر یکی دو سرو هم، آن کنار بگذاری، هنوز سبز، سبز تیره/ و خیس، خیس و آبچکان/ و این طرف، این‌سوی پنجره/ نشسته باشی و آن روبه‌رو هم صندلی خالی خیال‌هایت/ و عطرِ قهوه‌ی ترک هم



گزارشی از احوالات ارغوان در آستانه بهار

فرصت‌ها و محدودیت‌ها

بعضی شرکت‌کنندگان اعتراضاتی مطرح شده زیر آنها معتقد بودند برگزیدگان قبلی در دوره‌های پیشین معرفی شده‌اند و نباید دوباره فرصت حضور در جایزه را داشته باشند بلکه باید این فرصت در اختیار دیگران گذاشته شود.

دایره‌را تنگ نکنیم

محمد چرم‌شیر، یکی از اعضای هیئت انتخاب که سال‌هاست در کنار نوشتن نمایش‌نامه در کار تدریس هم هست، با اعمال این محدودیت چندان موافق نیست. او می‌گوید که به سبب شغل معلمی و همین‌طور به دلیل دآوری در جشنواره‌ها و جایزه‌های مختلف با اقبال گوناگون سروکار دارد. همچنان‌که در کلاس‌های داستان‌نویسی، هنرجویان متنوعی شرکت می‌کنند که دوست دارند نتیجه کار خود را ببینند. بنابراین ایجاد محدودیت‌ها سبب می‌شود فرصت حضور از برخی طیف‌ها گرفته شود و اینجاست که محدودیت سنی و نیز محدودیت تعداد دفعات شرکت در جایزه سبب می‌شود که دایره دورمان را تنگ‌ترکنیم آن‌هم درحالی‌که «ارغوان» جای خود را باز کرده و برای خود چشم‌انداز ایجاد کرده است. چرم‌شیر از نکته دیگری هم سخن صحبت می‌کند؛ اینکه بعضی جایزه‌ها به‌مرور تبدیل به گنگ و باندم می‌شوند و اینجاست که مدام اسم‌های مشترکی را در آنها می‌بینیم اما «ارغوان» این نقطه‌ضعف را ندارد و هدف آن شناسایی استعداد‌های تازه است. او با این توضیحات اعلام می‌کند که با محدودیت چندان موافق نیست چون هرگونه محدودیتی موجب می‌شود بعضی طیف‌ها حذف شوند و کسانی که به هر دلیلی تا‌به‌حال فرصت نیافته‌اند که استعداد خود را ارزیابی کنند، این فرصت را از دست می‌دهند. این‌نمایش‌نامه‌نویس مصائب و دشواری‌های چاپ کتاب در ایران را تشریح و تجربه یکی از هنرجویان خود را روایت می‌کند که کتاب چاپ‌شده‌ای دارد اما به دلیل تیراژ پایین کتاب کسی آن را نخوانده و بنابراین نمی‌توان او را به‌عنوان نویسنده‌ای معرفی کرد که اثر چاپ‌شده‌اش معرفی شده است. به‌جز اینها چرم‌شیر با موضوعی‌کردن جایزه هم موافق نیست. او می‌گوید بسیاری از قصه‌هایی که شرکت می‌کنند، ساختارشان چیز دیگری

است و نویسنده تلاش کرده داستان خود را به‌زور به موضوع جایزه ربط بدهد. بنابراین خوب است کمی دست‌وبال خود را باز بگذاریم و نگران نباشیم. چرم‌شیر که معتقد است جایزه‌ای مانند «ارغوان»، پناه خوبی است برای علاقه‌مندان، خطاب به دیگر برگزارکنندگان جایزه می‌گوید: اجازه بدهیم این پناه برای مشتاقان داستان‌نویسی باقی بماند و تا زمانی که هریک از آنها کتاب مستقلی منتشر نکرده‌اند، اجازه شرکت در جایزه و رشد را به او بدهیم. او نیز که همچون بسیاری از هم‌مسلمان خود از شمارگان ناچیز کتاب در ایران اندوهگین است، می‌گوید: وقتی کتابی با تیراژ ۲۰۰ نسخه منتشر می‌شود، یعنی خواننده‌ای ندارد و نمی‌توان آن را به‌عنوان اثری چاپ‌شده تلقی کرد و ما به این شکل آن برگزیده را به دنبال کار خود می‌فرستیم. درحالی‌که می‌توانیم از او حمایت کنیم. با این وصف تعداد شرکت در دوره‌های گوناگون نباید سبب محدودیت برای علاقه‌مندان شود؛ چراکه حفظ نیروهای تازه‌نفسی که به یک کار فرهنگی اضافه شده‌اند، خیلی ادبی مهم است. بنابراین خوب است که محدودیت‌ها برداشته شود و به چیز بینمایی دست پیدا کنیم.

محدودیت لازم است

فرشته احمدی، به‌عنوان یکی دیگر از اعضای هیئت انتخاب نظر متفاوتی دارد. او معتقد است که وجود ویژگی‌های منحصربه‌فرد در یک جایزه ادبی، اتفاق خوبی است؛ چراکه تا‌به‌حال بیشتر جوایز داستان کوتاه، هیچ محدودیتی نداشته‌اند؛ بنابراین خوب است یک جایزه برای خود چند ویژگی خاص تعریف کند چون سبب تشخیص و تفاوت آن با دیگر جوایز خواهد شد. او درباره یک موضوع دیگر هم هشدار می‌دهد: وقتی محدودیت نباشد ناخودآگاه این امکان وجود دارد که اسم بردگان تکرار و آن جایزه به گنگ تبدیل شود، درحالی‌که شرکت‌کنندگان جایزه ارغوان می‌دانند که همراه با کسانی در جایزه شرکت کرده‌اند که شرایطی مشابه دارند. این داستان‌نویس از بعضی اسامی تکراری نام می‌برد که در بسیاری از جوایز ادبی شرکت کرده و برگزیده شده‌اند و همین موضوع را یک نقطه آسیب می‌داند که البته با اعمال محدودیت، برطرف خواهد شد. فرشته احمدی از محدودیت دیگری هم نام می‌برد: محدودیت‌های اعضای هیئت انتخاب: «باید به قدرت اجرایی تیم هم نگاه کنیم. اگر در را باز بگذاریم که داستان‌های بیشتری برسد، جمع‌وجورکردن آن برای هیئت انتخاب دشوار خواهد شد، چون ما هم توان محدودی داریم. بنابراین خوب است جایزه ویژگی‌های خود را داشته باشد چون دیگر جوایز ادبی این محدودیت‌ها را ندارند و راه برای شرکت علاقه‌مندان در هر سنی و با هر شرایطی باز است.» او تاکید دارد که وجه آموزشی و استعدادیابی ارغوان قوی‌تر از وجه حرفه‌ای آن بین نویسندگان است: «الان ارغوان جنبه آموزشی دارد و این را هم در نظر داشته باشیم که هر قانونی بگذاریم، مخالفانی پیدا می‌کند اما به‌هرحال باید قواعد خود را داشته باشیم. نگاه تیم شورای سیاست‌گذاری این است که یک تیم آموزشی و استعدادیابی هستیم. فراموش نکنیم به دلیل همین محدودیت‌ها، ارغوان توانسته تعاریف خود را داشته باشد و به گنگ تبدیل نشده و اسم تکراری در در دیده نمی‌شود. در زمینه چاپ کتاب هم خیلی موارد وجود دارد، ازجمله مسائل اقتصادی‌که نباید باعث از‌دست‌رفتن اعتمادبه‌نفس بچه‌ها شود. میزان فروش کتاب به‌خصوص در مورد داستان کوتاه ایرانی خیلی تعیین‌کننده است. بنابراین بازاریابی فروش و اقتصاد کتاب مسئله دیگری است که باید به آن فکر کنیم. جسیبدن استعداد‌های تازه هم صرفا به جایزه‌ای مانند ارغوان

خوب نیست؛ چون این جایزه نمی‌تواند تا ابد دست آنها را بگیرد و راه برسد.

قصه‌ما استعدادیابی است

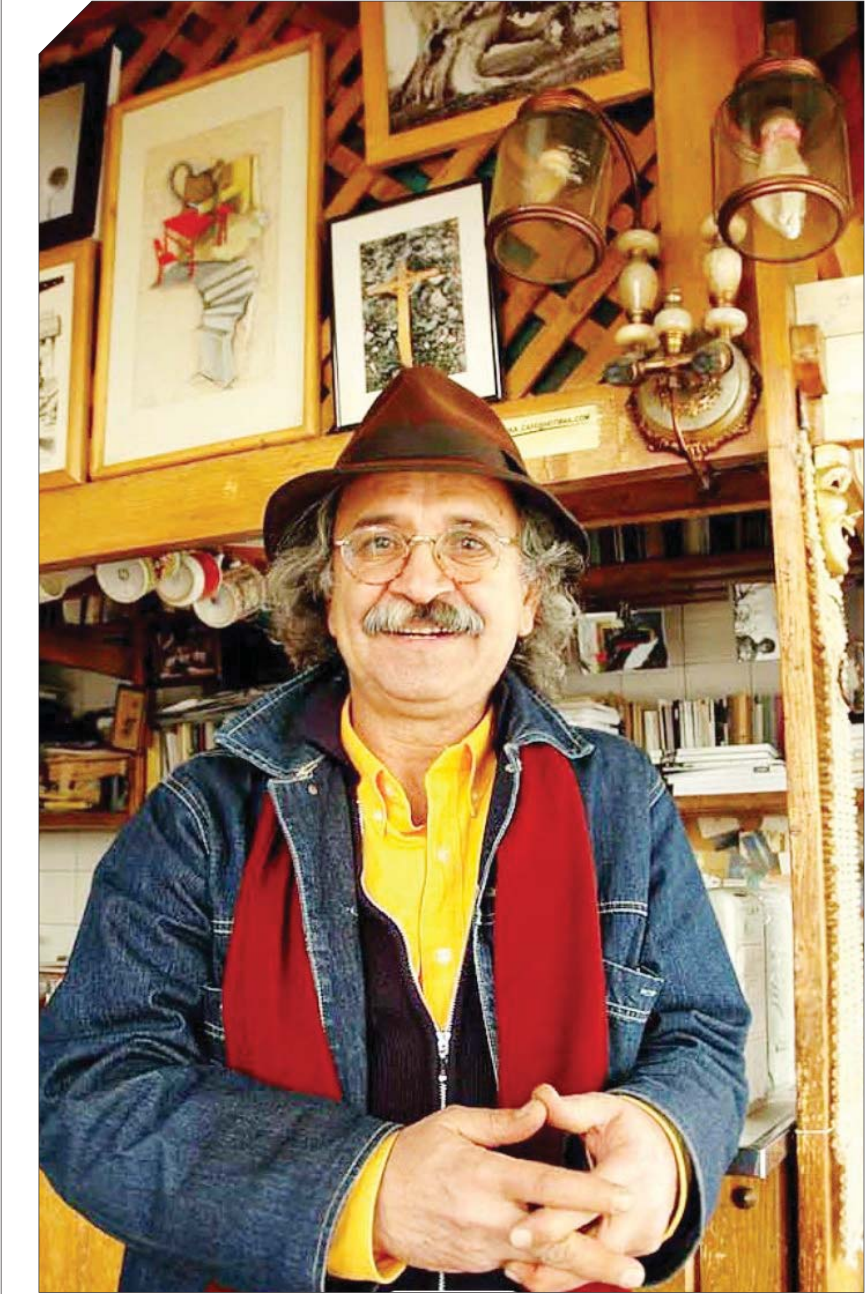
احمد پوری، یکی از داوران ارغوان، هدف اولیه جایزه را یادآوری می‌کند: «از آغاز قصدمان استعدادیابی بود و اینکه به یک جوان بگویم اینجا می‌توانی در شرایطی برابر داستان خود را در بوته ارزیابی بگذاری. بنابراین همین که یک فرصت به او بدهیم کافی است. می‌توانیم در نظر بگیریم که یک‌بار برنده شده و به هدف خود رسیده‌ام و بقیه به خودش برمی‌گردد. با این نگاه وجود محدودیت‌ها اتفاقاً بد نیست چون ما را در تحقق اهدافمان یاری می‌رساند.» او که به‌عنوان استاد دوره‌های آموزشی را برای برگزیدگان ارغوان برپا می‌کند، چنین رویکردی را در جهت رهاشدن استعداد‌های تازه‌کشف‌شده بسیار مهم می‌داند، موضوعی که یکی از وجوه تمایز این جایزه در قیاس با جوایز دیگر است و با ایجاد فضای دورهمی، نویسندگان جوان را برای ورود به فضای حرفه‌ای آماده می‌کند.

ابراهیم حقیقی البته می‌گوید هدف ما این نیست که صرفا یک‌بار یک جوان مستعد را معرفی کنیم بلکه باید زمینه را برای حضور او در فضای داستان‌نویسی هم ایجاد کنیم. در این بخش از مباحث، چرم‌شیر از نکته‌ای دیگر سخن می‌گوید: «واقعیت این است که جایزه‌های دیگری که نویسندگان در آن شرکت می‌کنند، با ارغوان بسیار متفاوت است. یک نویسنده حرفه‌ای برای شرکت در یک جایزه باید دعوت شود؛ بنابراین نگران حضور نویسندگان حرفه‌ای نباشیم.»

برگزیدگان چه می‌گویند؟

در ادامه این دورهمی برگزیدگان نظرت خود را درباره قوانین جایزه اعلام می‌کنند. زهرا کوردزی، یکی از برگزیدگان جایزه می‌گوید تا حدود زیادی با محدودیت‌ها و موافقم. خوبی ارغوان این است که از ابتدا این اعتمادبه‌نفس را به من داد که دارم با هم‌سن‌وسالان خود رقابت می‌کنم، آن‌هم در شرایطی برابر چون آنها هم هیچ داستان چاپ‌شده‌ای ندارند ولی در جوایز دیگر اسم‌های تکراری خیلی زیاد است. خود من بعد از ارغوان در چند جایزه دیگر هم برنده شدم چون هدفم این بود که بازم در وجود قوانین هرچند ناقصی دارم، سلامت این جایزه را تضمین می‌کنند: «وقتی برندگان ارغوان خود را وارد فضای حرفه‌ای می‌کنند، یعنی این جایزه کار خود را به‌درستی انجام داده». او از تلاش‌های ارغوان برای رهاکردن استعداد‌های کشف‌شده سخن می‌گوید و معتقد است که این جایزه می‌تواند به نهاد کشف استعداد تبدیل شود؛ «گنگ‌بودن ناشران در همه‌جای دنیا هست و اگر ارغوان بتواند در نقش یک نماینده ظاهر شود، راهکار درستی است که سبب می‌شود استعداد‌های کشف‌شده وارد فضای ادبیات شوند و به کمک ارتباطات خود در فضای ادبیات نشر، زمینه تداوم فعالیت را برای جوانان برگزیده ایجاد می‌کند ولی تغییر قوانین جایزه، پاک‌کردن صورت‌مسئله است.»

آخرین صحبت‌ها را فرشته احمدی مطرح می‌کند. او خوشد است که ارغوان در خدمت اهداف یک نگاه اقتصادی نیست بلکه با نسل جوان گمنامی سروکار دارد و همین ویژگی سبب می‌شود باقی بماند، چون دنبال خودنمایی‌کردن نیست تا حاشیه‌برانگیز باشد. این جایزه کار زیربنایی و طولانی‌مدت را در دستور کار خود قرار داده و حرکت در سایه و آرامش، امکان کار طولانی‌مدت را ایجاد می‌کند. حالا و در آستانه سال نو، برگزارکنندگان این جایزه ادبی مشغول بررسی و ارزیابی هستند تا برای دوره آتی این جایزه برنامه‌ریزی کنند.



صوتی ظبط می‌شود. جذابیت اینها بیشتر از این است که فرصت دوباره‌ای برای شرکت در جایزه داشته باشیم. ضمن اینکه با تعریف بخش برنده برنده‌ها که در دوره پنجم انجام شد، این مسئله برطرف شده است.»

مانیفست اولیه را فراموش نکنیم

در ادامه این گفت‌وگوها اوژن حقیقی، مانیفست و اهداف اولیه ارغوان را یادآوری می‌کند؛ کشف استعداد‌های جوان: «طبق تعریف یونسکو محدوده سنی جوانی تا ۳۰ سال است. ضمن اینکه زیست یک جوان ۲۸ساله با یک فرد ۴۵ساله متفاوت است. بنابراین کنار هم گذاشتن آنان در یک رقابت شاید چندان درست نباشد.» او که نگرانی چرم‌شیر را بابت رهاشدن استعداد‌های کشف‌شده درک می‌کند، توضیح می‌دهد که تعریف بخش برنده بردگان که پیشنهاد درخشان بهرنگ تنکابنی بوده، برای توجه به همین مسئله است. او می‌گوید که هریک از بچه‌ها کتابی دارند، ارائه بدهند. می‌توانیم سالی یک کتاب را برای انتشار انتخاب کنیم. همچنان‌که کتاب «روشنا نقطه» (ده داستان از منتخبین جایزه ارغوان) هم با همین رویکرد منتشر شد.

رقابت و گرم‌کردن تنور هنر

امیر اثباتی، عضو شورای سیاست‌گذاری جایزه هرچند رقابت را در کار هنر خوش ندارد اما این را می‌داند که وجود جوایز سبب گرم‌کردن تنور هنری می‌شود. او از راه دشوار جوانانی می‌گوید که به دلیل نبود سیاست‌گذاری‌های درست فرهنگی نمی‌دانند چگونه هنر خود را به مخاطب عرضه کنند و از این نگاه، وجود جوایزی مانند ارغوان، راهی است برای جبران این نقیصه. او هم با اعمال فیلتر موافق است، چون هم به جایزه تشخیص می‌دهد و هم وجود محدودیتی مانند موضوع مشخص، شرایط منصفانه‌تری ایجاد می‌کند، درحالی‌که امکان مقایسه در موضوعات آزاد، سخت‌تر است. ضمن اینکه موضوع یکسان شاید سبب شود نویسندگان بالقوه را در شرایطی قرار دهد که به روزگار خود توجه کنند؛ چراکه موضوعات انتخابی ما مبتلا به جامعه و جوانان ما در آن مقطع خاص است.

صورت مسئله را پاک نکنیم

بهرنگ تنکابنی رسالت‌های جایزه را یادآوری می‌کند و اینکه وجود قوانین هرچند ناقصی دارد، سلامت این جایزه را تضمین می‌کنند: «وقتی برندگان ارغوان خود را وارد فضای حرفه‌ای می‌کنند، یعنی این جایزه کار خود را به‌درستی انجام داده». او از تلاش‌های ارغوان برای رهاکردن استعداد‌های کشف‌شده سخن می‌گوید و معتقد است که این جایزه می‌تواند به نهاد کشف استعداد تبدیل شود؛ «گنگ‌بودن ناشران در همه‌جای دنیا هست و اگر ارغوان بتواند در نقش یک نماینده ظاهر شود، راهکار درستی است که سبب می‌شود استعداد‌های کشف‌شده وارد فضای ادبیات شوند و به کمک ارتباطات خود در فضای ادبیات نشر، زمینه تداوم فعالیت را برای جوانان برگزیده ایجاد می‌کند ولی تغییر قوانین جایزه، پاک‌کردن صورت‌مسئله است.» آخرین صحبت‌ها را فرشته احمدی مطرح می‌کند. او خوشد است که ارغوان در خدمت اهداف یک نگاه اقتصادی نیست بلکه با نسل جوان گمنامی سروکار دارد و همین ویژگی سبب می‌شود باقی بماند، چون دنبال خودنمایی‌کردن نیست تا حاشیه‌برانگیز باشد. این جایزه کار زیربنایی و طولانی‌مدت را در دستور کار خود قرار داده و حرکت در سایه و آرامش، امکان کار طولانی‌مدت را ایجاد می‌کند. حالا و در آستانه سال نو، برگزارکنندگان این جایزه ادبی مشغول بررسی و ارزیابی هستند تا برای دوره آتی این جایزه برنامه‌ریزی کنند.